عید نزدیک است با هم مهربان‌تر باشیم

داریوش توانا

دوستان دیوار مهربانی را وسعت بخشیم و اندیشه خود را گسترده‌تر کنیم و دست نیازمندان را بگیریم. نیازمندان کم نیستند. جشن نیکوکاری، جشن عاطفه‌ها، همیاری، عطوفت، مهربانی، صمیمیت، دلسوزی و رأفت را گسترش دهیم. از نزدیکترین نیازمندان فامیل گرفته، تا نزدیکترین همسایه، همسایه دیوار به دیوار، آنها را که نیازمند هستند دریابیم و به آنها توجه کنیم و دستگیری نماییم. حضرت علی (ع) فرمودند: الجار ثم الدار، اول همسایه بعد خودت. ایثار، فداکاری و دلاوری و رحم و شفقت واژه‌های آشنایی در فرهنگ ما هستند و نباید با آنها فاصله پیدا کنیم. یتیمان را دریابیم، همه مسئولیت‌ها را به دوش کمیته امداد واگذار نکنیم. دانش‌آموزان نیازمند کم نیستند که در شب عید نیازمند لباس و کیف و کفش هستند. در تلویزیون در برنامه‌ای مشاهده کردم، فرزندی یک وعده غذای نذری خود را به درون خانواده آورد تا با مادر و خواهرش بخورد. در نزدیک قدمگاه ابوالفضل (ع) در شهر شیراز دیوار مهربانی درست کرده‌اند. وقت آن است واقع‌بین و روراست باشیم، سفره همه انسان‌ها پر نیست. جیب همه پرپول نیست. چه بسا فرزندانی که پدر آنها در زندان باشد، چه بسا فرزندانی که والدین خود را از دست داده باشند و یا فرزندانی که پدر آنها ورشکست شده باشد و دستش خالی و دچار چک‌های برگشتی شده باشد. بیاییم رحم کنیم تا به ما رحم کنند، بیاییم صالح و مصلح باشیم. بیاییم از خدا کمک بخواهیم. تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز. بیاییم بخشنده باشیم. بیاییم اهل خمس و زکات و نیکوکاری و دهش باشیم. خداوند به ما کمک خواهد کرد و دست ما را خواهد گرفت و لطف خود را شامل حال ما خواهد کرد.

فروشندگان اگر می‌توانند تخفیف را شامل کالاهای خود نمایند تا افراد بهتر بتوانند خرید کنند.

نیکو فکر کنیم. سعه صدر داشته باشیم. شکیبا و بردبار باشیم و به دیگران خوبی کنیم. نیکی نیکی می‌آورد. خداوند اگر ما صدقه دادیم بلا و حوادث را از ما دور کرده و لطف خود را بیشتر شامل حال ما می‌کند. همه ساله در مدارس دمادم جشن نیکوکاری می‌گیرند، همه ساله ابتدای سال جشن عاطفه‌ها می‌گیرند، دوستان ما مسلمانیم، ما دین اخوت و برادری و تقوا داریم و اهل کمک و انسانیت و یاری رساندن هستیم. ما اگر شخصی گرسنه بخوابد، آرامش نخواهیم داشت. بیاییم فریادرس همه باشیم، باید داراها دست نیازمندان را بگیرند. بیاییم خدمتگزاری صدیق و دلسوز باشیم. با کمک به دیگران خداوند در زندگی ما گشایش ایجاد می‌کند. در جامعه ما خیرین سلامت به دیگران در انجام خیر کمک می‌کنند. یک عده خیّر در نوسازی و ساخت مدارس کمک می‌کنند، یک عده در راه‌اندازی خیریه‌ها کمک می‌کنند. مرحوم نمازی خیریه‌ای دارد و در دینکان عده کثیری را تحت پوشش قرار داده است. آقای معارف خیّر مدرسه‌ساز، مدارس زیادی را احداث نموده است. آقای امتیاز، بیمارستان و مدرسه و مسجد احداث نموده است. ما مردم صادق و رئوف و دست و دل‌بازی هستیم و باید فریادرس هم باشیم و به داد هم برسیم. پس یادمان باشد خودمان در مرحله اول در فامیل خویش جستجو کنیم و نیازمندان را بیابیم و به آنها کمک کنیم. ما در پایان ماه رمضان به کمک فطریه به نیازمندان کمک می‌کنیم. با دادن افطاری دست نیازمندان را می‌گیریم. صندوق‌های قرض‌الحسنه، خیریه‌ها و واحدهای همیاری مختلف از اجر فراوانی برخوردار هستند. در تمام دنیا، قبل از ایام عید، مردم ترتیبی می‌دهند تا همه بتوانند از این اقدام‌های خیرخواهانه بهره‌مند شوند و آنها هم احساس خشنودی و خوشحالی نمایند.

در شهر شیراز ما پرورشگاه‌ها و خیریه‌های زیادی داریم. افراد خیّر زیادی داریم که از کار خیر دریغ نمی‌ورزند. مجتمع خوانساری، آموزشگاه منوریان، دبیرستان نمازی، دبیرستان معارف، دبیرستان خورسندیان، دبیرستان تفضلی، دبیرستان امتیاز و ... اینها نشان‌دهنده این است که ما مردم خیرخواهی هستیم. پس عید امسال با هم مهربان‌تر باشیم، با هم یکرنگ و یکدل و همدل باشیم. پزشکان، مهندسان، قضات، معلمان و همه انسان‌های شریف دست به دست هم دهیم تا کاری را صورت دهیم. یا اشرف من کل شریف، در اینجا از همه آنها که مهربانی را توسعه می‌بخشند تشکر می‌کنیم و برای آنها اجر فراوان درخواست می‌کنیم. خلاصه آنکه بیاییم شادی‌هایمان را با هم تقسیم کرده و خوشحالی‌مان را فراگیر کنیم. شرط انسانیت و مردانگی و رأفت و برادری و مهربانی و عاقبت بخیری کمک به دیگران است. بیاییم از بیماران عیادت کنیم. به پرورشگاه‌ها سر بزنیم و کمک کنیم. به فرزندان بی‌سرپرست، آسایشگاه سالمندان، ضعفا و نیازمندان محبت کنیم. شکرانه بازوی توانا، بگرفتن دست ناتوان است.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۸۵۰

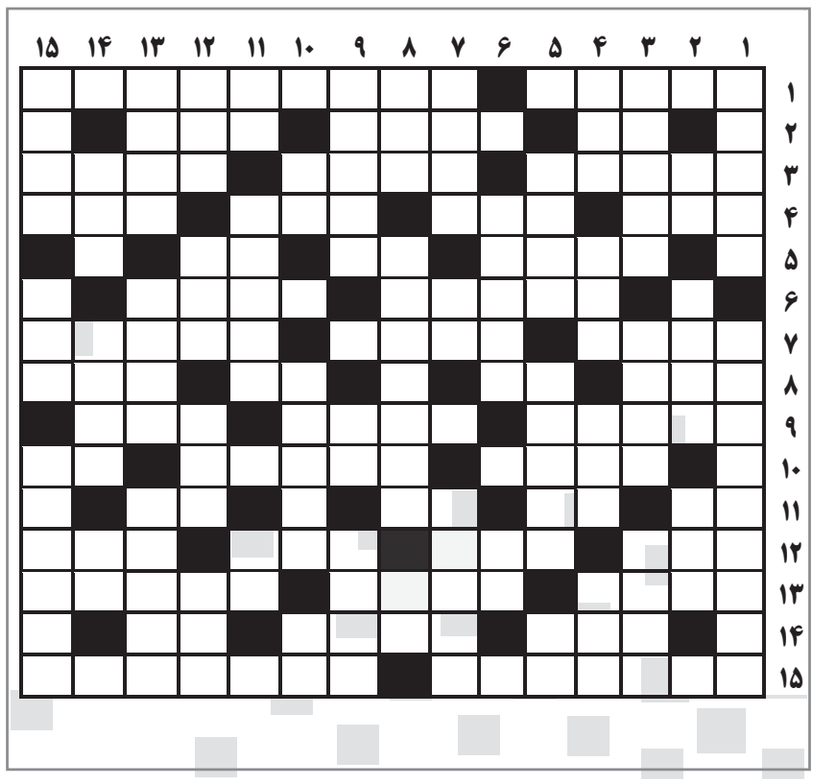

افقی:
۱-نام کتابی از افلاطون- استفاده کننده
۲-خاندان- بلند- از سازهای بومی کوبشی
۳-مهد دلیران- گرفتار- جمع نقش
٤-زرد خارجی- گناه- فرخندگی- از شیر می‌گیرند
۵-همکار منکر- ستون بدن- اولین عدد
٦-از مشاغل آیینی- حیوان بدبو
۷-رشد دهنده- جلو سطح کشتی- بدعاقبتی
۸-از مجالس مشورتی- اسب ترکی- تلخ- پرنده‌ای خوش‌خوان
۹-پوست کفل اسب و خر- از رونق افتاده- دشوار
۱۰-چپ- زیبایی- فلز خجالتی
۱۱-اثری پیرامون جنگ تحمیلی- از حیوانات اهلی- کنایه از زیباروی- از شاخه‌های موسیقی
۱۲-فلز جنگی- از ضمایر عربی- از جنگ‌های علی (ع) با ناکثین- اندازه‌ی دستی
۱۳-از جنگ‌های صدر اسلام- خوف- نامی ایتالیایی
۱٤-قله‌ای جنوبی- آهنگر انقلابی- بدون
۱۵-فقیر- از گیاهان دارویی

عمودی:
۱-از افراد جانی و شرور سر می‌زند- قهرمان شاهنامه
۲-پهلوان- مؤسس- مقصد
۳-برادر حضرت موسی (ع)- نوعی غذای شبانه- از شخصیت‌های مذهبی هند
٤-دوستی- جارختی- حیوان نجیب- گنج
۵-مژده- پروانه- مادر عرب

جواب جدول شماره ۹۴/۸۴۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ی	ک	ا	ر	■	ر	ا	ه	ن	م	ا	ی	ی	■
۲	ا	■	ی	ل	■	س	ا	ر	ا	■	ر	ی	ز	■	ق
۳	د	ا	ر	و	■	ض	م	ی	ر	■	ه	ی	ز	ز	م
۴	ی	ل	و	■	ر	خ	ی	■	د	ا	غ	■	د	ی	ر
۵	ه	■	ش	ک	ا	■	■	ا	ه	■	م	ن	■	ن	■
۶	■	غ	■	ف	ل	ا	خ	ن	■	پ	ک	ی	ه	■	ک
۷	پ	ر	م	ه	■	م	ر	ت	ع	■	ی	ز	د	ا	ن
۸	ی	و	ش	■	س	ه	■	ص	■	ت	ن	■	ی	ل	ه
۹	ا	پ	ر	ا	ر	■	ب	ا	ی	ر	■	ل	ه	پ	■
۱۰	ن	■	پ	ن	د	ی	■	و	ت	ی	ک	■	ر	■	پ
۱۱	د	ر	■	د	ی	■	م	ی	■	ه	م	■	■	■	و
۱۲	ا	س	ر	ی	س	ر	ی	■	پ	ر	د	ز	ر	■	ز
۱۳	ز	م	ی	ن	■	ب	ر	ر	و	■	ن	ب	ا	ی	ی
۱۴	ه	■	د	و	ن	■	ا	ز	د	ر	■	و	ر	■	ن
۱۵	■	ک	ا	ر	ت	ا	ز	ا	س	ت	ع	ا	ر	ه	■

۶-کشاورزی- پاسخ منفی عرب
۷-بارانداز ساحلی- از شهدای کربلا- رمز کالا
۸-معادل پوچ- همکار قدیمی و دارای سوابق زیاد- عدد فوتبالی
۹-جمع رعیت- برجستگی روی تایر خودرو- شجاع
۱۰-مرکز ایتالیا- پشت سر هم- علامت جمع در فارسی
۱۱-ناخوب- از توابع شهر محلات در استان مرکزی- قلق
۱۲-گرو- مقابل کاخ- پوشش- رنگ آسمان صاف
۱۳-شاغل در سیرک- استوار و پابرجا- از اسامی مردانه
۱٤-گل سرخ- عزا- بالابر خودرو
۱۵-بن- واحد اندازه‌گیری طول- از خوردنی‌های خوزستانی

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۳۲۴

7	1	4	9			6		5
				4	5	7	1	
8				6				4
	7			8	6	3		
	3						7	
		9	7	1			4	
1				7				3
	4	3	8	5				
5		7			2	4	8	1

جواب جدول شماره ۹۴/۳۲۳

8	5	1	7	3	4	6	9	2
4	6	2	9	1	8	3	5	7
9	7	3	6	5	2	4	8	1
5	9	6	4	2	3	1	7	8
7	1	8	5	9	6	2	3	4
2	3	4	1	8	7	5	6	9
6	2	7	3	4	9	8	1	5
1	4	9	8	6	5	7	2	3
3	8	5	2	7	1	9	4	6

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها دراین جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره عادیات

مختصری در باره حضرت موسی بن جعفر (سلام‌الله علیه)

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام یک تاریخچه مخصوص به خود دارند که هم با تاریخچه پدرشان امام صادق علیه‌السلام فرق می‌کند و هم با تاریخچه فرزندشان امام رضا علیه‌السلام؛ مقصودم این است که زمانشان نه شبیه به زمان امام صادق است و نه شبیه به زمان حضرت رضا.

زمان امام صادق دوره فَترت است؛ دوره‌ای است که حکومت از دوده‌ای به دوده دیگر منتقل می‌شود، از اموی‌ها به عباسی‌ها، و چون دوره انتقال حکومت است، برای یک مدت موقت (فاصله اول جوانی تا چند سال مانده به آخر عمر ایشان، نه همه عمرشان) دوره فترت و آزادی بود.

در این دوره امام صادق توانستند وظایفی را که خدای متعال به عهده‌شان گذاشته است از تعلیمات و بسط معارف و علوم اسلامی به قدر معتنابهی انجام بدهند به گونه‌ای که آنچه ما الان داریم، بیشتر از ایشان است.

اواخر زمان حضرت صادق که دوره منصور دوانیقی پیش آمد دوباره استبداد- مثل همان دوره بنی‌امیه، دوره عبدالملک مروان و معاویه و یزید- شدید شد، به طوری که حضرت سخت تحت نظر قرار گرفتند و مکرر ایشان را از مدینه به عراق می‌خواستند.

دوره امام کاظم علیه‌السلام مقارن است با آخر دوره منصور و بعد چند سالی دوره مهدی عباسی پسر منصور و بعد چند سالی دوره پسر مهدی به نام هادی و بعد دوره هارون‌الرشید، یک طاغوت بسیار بزرگ و یک خلیفه بسیار مقتدر. بیشتر فشارهایی که به ایشان آمد در زمان هارون بود.

اما اینکه [دوره امام کاظم] با زمان حضرت رضا متفاوت است: هارون پسرهایش را دوست داشت، هم امین را و هم مأمون را؛ مأمون را به خاطر لیاقتش و امین را به خاطر مادرش زبیده که دخترعمویش بود و امین از طرف مادر هم از بنی‌العباس بود.

خلافت را میان این دو تقسیم کرد و قسمت‌های عراق و حجاز و یمن و مصر و شام و سوریه را به امین واگذار کرد و مأمون را هم ولیعهد کرد و قسمت‌های خراسان و... را به او واگذار کرد. ولی بعد دو برابر با یکدیگر جنگیدند، جنگ بسیار شدید تا اینکه امین کشته شد و نوبت به مأمون رسید.

مأمون در شرایط خاصی قرار گرفته بود چون حامی‌اش ایرانی‌ها بودند و ایرانی‌ها علاقه‌مند به اهل‌بیت بودند و مجبور بود رعایت جانب اهل‌بیت را بکند. این بود که حضرت رضا را احضار کرد و پیشنهاد ولایتعهدی به ایشان داد و حضرت حاضر نمی‌شدند قبول کنند.

بعد می‌خواست به زور ولایتعهد را به ایشان بدهد، باز هم قبول نکردند و در نهایت حضرت جنبه تشریفاتی به قضیه دادند، که داستانش مفصل است.

محبوبیت ائمه علیهم‌السلام

ولی زمان حضرت کاظم یک دوره بسیار بسیار شدیدی است. علت اصلی هم این بود که علیرغم همه تضییقات و فشارها و جاسوسی‌ها [علاقه مردم به ائمه اطهار برقرار بود.]

در تاریخ زندگی ائمه می‌بینید که مثلاً یک دفعه شبانه می‌ریختند داخل خانه امام صادق ببینند چه چیزی پیدا می‌کنند، چه نامه‌ای و از چه کسی پیدا می‌کنند، آیا اسلحه یا پولی بیشتر از حد متعارف پیدا می‌کنند که علامت این باشد که سرباز تهیه می‌کنند.

این کار مکرر انجام شده است.

یک دفعه می‌ریختند به خانه حضرت امام موسی کاظم. در مدینه یک وقت خیلی جنایت و خشونت کردند. در یک وضع بسیار بدی ریختند به خانه امام. اینها آنقدر تضییق می‌کردند که حتی نمی‌خواستند ائمه نان شبشان را داشته باشند؛ می‌گفتند اینها نباید چیزی داشته باشند.

امام کاظم(ع) گاهی در شرایطی به سر می‌بردند که خانواده‌شان به قدر کافی ساتر برای نماز نداشتند، به طوری که زنها وقتی می‌خواستند نماز بخوانند به نوبت می‌خواندند یا اگر می‌خواستند بیرون بروند، به نوبت می‌رفتند. این مقدار لباس نداشتند که خودشان را به قدر کافی بپوشانند. جلادها می‌ریختند داخل خانه و هر چه بود غارت می‌کردند و می‌بردند.

ولی همه این کارها از نظر نفوذ و محبوبیت و علاقه مردم نتیجه معکوس می‌داد. مردم هر چه بود، به حسب فطرت مسلمان بودند و دنبال حقیقت می‌گشتند.

بعضی از اینها هیچ [روزنه‌ای باقی] نمی‌گذاشتند، در زمان امام صادق و زمان امام کاظم هر کسی را که تشخیص می‌دادند [علاقه‌ای به امام دارد،] آن بهترین اصحاب و یارانشان را [تحت فشار قرار می‌دادند، حاکم مدینه در زمان منصور] داود بن علی یکی از یاران امام صادق را کشت.

وقتی این مرد بزرگوار کشته شد امام صادق بسیار ناراحت شد که بعد هم طولی نکشید که بلا به سر خود آن قاتل آمد.

به هر حال این محبوبیت ائمه خشم و غضب اینها را بیشتر تحریک می‌کرد. آخر با امر معنوی و با حقیقت [نمی‌شد مبارزه کرد.]

شیخ عباس قمی نقل می‌کند که یکی از خلفای اواخر دوره عباس سال‌ها بعد از شهادت موسی بن جعفر به مقابر قریش رفت. همین جا که الان کاظمین است و اسمی از کس دیگری [غیر از کاظمین علیه‌السلام] نیست قبرستان مخصوص قریش بود.